

شرق روزنامه هنر . سیاست

جنبش دانشجویی فضای منجمد را می شکند	صفحه ۸
دانشگاه، سیاست، اصلاحات	صفحه ۹
روزنامه	صفحه ۱۰

مکعب سفید

نگاهی به نمایشگاه تعطیلات بهنام صدیقی فلانورهای رانده شده

در تکتک فریم‌های مجموعه «تعطیلات» «بهنام صدیقی» می‌توان فلانور* یا پرس‌زن، قهرمانی که در قرن نوزدهم در آثار «شارل بودلر» متولد شد را باز یافت. پرس‌زن قهرمانی است جذاب که بعداً «والتر بنیامین» فیلسوف آلمانی مکتب فرانکفورت در کتاب «پاساژها» (اثر هنوز ترجمه نشده‌اش) درباره آن بسیار نوشت. پرس‌زن شهروندی است که با گردش گاهی بیپهوده و گاهی آگاهانه در شهر می‌گردد. درحال قدم‌زدن روی آسفالت ـ این نماد تا هنوز زنده مدرن ـ میان ویرترین‌های پر زرق‌وبرق با کالاهایی لوکس و بدون قدرت خرید در خیابان‌هایی طویل و بی‌روپیکر شهر. او با نگرشی رادیکال قدم‌زدن خود را به ابزار انتقادی رفتارهای مدرن شهری و در بالاترین حد بورژوازی سرمایه‌داری تبدیل می‌کند. و این اعتراض و منش انتقادی خاموش را شاید بتوان بارزترین خصیصه او دانست. بنیامین در «پروژه پاساژها» نقطه نقل قهرمان «بودلر» را همین سرگردانی ناتمام و تامل‌های انتقادی تودرتو قرار می‌دهد.

تعطیلات یا Holiday به‌ظاهر برای گردش و رفع خستگی مسافران (یا مهاجران) ** خستهای است که می‌خواهند به‌دور از هیاهوی شهرنشینی، با بیرون‌شدن از شهر و تنفس در طبیعت ناب دمی بیابانند. اما این فقط ظاهر داستان است. در هیچ‌یک از عکس‌های این مجموعه نمی‌توان آسایش، راحتی و لذت از طبیعت را در چهره این مسافران دید. حداقل برای من اینها نه مسافران تفرج و لذت، که بیشتر همان پرس‌زن‌های خسته، منغعل و سرگردان خیابان‌ها هستند که با پذیرش شکست در اعتراض، برای تامل در اضطراب و خودآگاهی خویش برای دمی از شهر بیرون شده‌اند. اگر قدم‌زدن قهرمان «بودلر-بنیامین» نوعی رفتار فیلسوفانه و انتقادی در مواجهه با شهرنشینی جدید است،



پس شاید تمام این قهرمانان سرگردان در طبیعت بهنام صدیقی را نماد اعتراضی به همان انفعال و عدم‌کاریی نگاه انتقادی‌شان در شهر دانست. مهاجرت یعنی بیرون‌شدگی و انقطاع آگاهانه از دل‌مشغولی‌های روزمره و اعتراض به روند جاری هرآنچه در حال جریان است. نیز پذیرش آگاهانه درد نوستالژی، به امید رخدادی بنید که به واسطه اتوماسیون خردکننده رخداد معنا به وجود آمده است. در واقع مهاجرت درحکم رفتاری شاعرانه است. اگر شعر اعتراض به دستور زبان جاری است، مهاجرت نیز نه نفی دستور زبان که نفی خود زبان است. هرچند همین زبان نفی شده در هیات مادرانشش بعدا یقه پرس‌زن ما را در نقطه جغرافیایی دیگری دوباره خواهد گرفت.

از این حیث عکس‌های تعطیلات نه سفری برای تفرج و لذت که درحکم تمرین مهاجرت است. تمرینی شاعرانه و خواست تجربه برای بیرون‌شدن از دایره نمایندین زبان. پذیرش آگاهانه بیرون‌شدگی به امید پرسه در آزمان شهری دیگر. از زاویه‌ای دیگر و با نگاهی راستگرایانه‌تر شاید بشود ناهربن در دامن طبیعت را نفی زیبایی‌شناسی مدرن شهری و بازگشت به محاکات افلاطونی و به سمت پناه بردن به زیبایی طبیعی دانست. هرچند خود به این مورد دوم در این مجموعه مشکوک‌یم. در هرحال چهره‌های خسته و منغعل تکتک قهرمانان مجموعه «تعطیلات» بیشتر از آنکه خواست بازگشت به طبیعت و اراده معطوف به زیبایی‌الهی و بزادن‌شناختی نمود پیدا کند، بیشتر منشی است برای دفع زباله‌های درونی و تجدید حیات برای پرس‌های دوباره. هرچند این سرخوردگی را می‌توان در تکتک این چهره‌ها باز یافت.

تعطیلات پروژه‌ای مستند است. اما رفتار بهنام صدیقی با عکاسی مستند متفاوت است. او به جای آنکه در قاب‌هایش به دنبال شگفتی یا ارباب مخاطب باشد، با نگاهی اسنادی ـ انتقادی به آدم‌های اطرافش می‌نگرد. زیبایی و ترکیب اکثر عکس‌های این مجموعه (نه همه آنها) و نگاه بی تشویش و رسوب کرده بهنام، مجموعه را تا حد روایت مستند **staged photography** پیش می‌برد. هرچند خود مجموعه یک photograph با اهدافی است. اما روایتی معاصر و به‌دور از جنجال و تکرشی معاصر در عکاسی مستند است که این روزها به‌ندرت می‌توان چنین نگاهی را یافت. بهنام صدیقی چه در محتوا و چه در فرم اجرا به مخاطب عکاسی مستند ایران گوشزد می‌کند که در کنار رویکردهای سطحی، جنبجالی و ژورنالیستی، با روشی دیگر و با استیلی پالوده و آرام نیز می‌توان به عکاسی مستند پرداخت. نوعی عکاسی در این مجموعه به جرات عمیق‌ترین و معاصرترین نگاه انتقادی به بطن جامعه است.

پی‌نوشت:

Flaneur *

*** ظاهراً این روزها بهنام صدیقی درگیر پروژه‌ای درباره کسانی است که قصد مهاجرت دارند.

موزه‌ای در چمران

توجه به زیر ساخت جامعه هنر



هنر پای‌ای‌ترین عنصر اعتلای جوامع بشری است. رواق مائابی و پویایی همه تمدن‌های بشری تنها به‌واسطه این در گرائنها، هنر، بستگی تام دارد. دنیای پیشرو امروز دریافته است که هنر در عین اینکه امری ذاتی، فطری و خدادادی است در صورتی که از کودکی همراه و مونس آدمی باشد قابل اکتساب هم هست، به واقع اگر کودک از نخستین سال‌های حیاتش با القبای هنر هم‌نشین و هم‌سخن باشد اگر در دوره جوانی هنرمند نشود دست‌کم هنرشناسی خواهد شد که لذت‌بردن از ساحت مقدس هنر را به‌طور حرف‌های آموزش دیده است «وصف عیش نصف عیش». بنا بر همین آموزه جهانی دوسالانه تخصصی نقاشی «دامون‌فر» از بدو تأسیس‌برای آموزش فراگیر هنر تجسمی به کودکان و نوجوانان سرزمین مادری‌مان برنامه‌های مستمر و متعددی تدارک دیده است که قسمت اعظم آن را در تهران و حتی در شهرهای مثل رامسر، اصفهان و... برقرار کرده است. در سیاستگذاری این کارگاه‌ها به چند مولفه اساسی دقت نظر داشته‌ایم نخست اینکه این آموزش‌ها براساس متدهای روز دنیا باید به شکل کارگاهی اجرا شود و در آن به جای طرح مباحث خشک تئوریک، کودک عملا فضای نقاشی و نقاشی‌کردن را احساس کند در این راه بدون تردید تآثرهای عام‌نامه هنرمندگار نقدر خاتم« یاسمین سینیایی» نقش تعیین‌کننده‌ای داشت.اوسال‌های سال تجربه‌کاری عملی با کودکان ایرانی و خارجی در چننه دارد و مشتقانه متدهای روز آموزش هنر برای کودکان را پی‌گیری می‌کند تا انسان که اگر مخاطبی وجود داشته باشد که در همه این ص‌دولندی کارگاه تخصصی دامون‌فر در این هشت‌سال حضور مستمر داشته از تنوع و تکنیک‌های مختلفی که در این رویلهاه ازایه می‌شود به هیجان می‌آید، هیچ‌یک از دو کارگاه این‌س سال‌ها به جهت ذهن خلاق این هنرمند مجسمه‌ساز، شنبه هم نبوده و همواره نوآوری و ارایه حرف‌های تازه هنری برای کودکان محور اصلی این کارگاه‌ها بوده‌اند. ما در این کارگاه‌ها سعی وافر داریم تا خآلوده‌های ایرانی را متوجه اهمیت حضور معنوی هنر در فضای خانوادگی کنیم. هنر می‌تواند به محیط خانه آراش و امکان دیگرگونه دیدن اهدا کند و بر پدرو مادرها واجب است تا کودکان خود را هم‌راز و همراه هنر پرورش دهند، از این‌روست که در دو سال اخیر هم‌زمان با برپایی کارگاه‌های نقاشی کودکان، برای مادران آنها نیز غرفه‌هایی تدارک دیده‌ایم تا ولو به اندازه چند ساعت از جنبه گرفتاری‌ها رها شوند و روزمرگی‌های زندگی رهایی یابند و به‌واسطه هنر، کودک درون خویش را از خواب غفلت بیدار کنند. امیدوارم همچنان که در چهار دوره دوسالانه تخصصی نقاشی دامون‌فر متفخر به معرفی نسل موفقی از نقاشان جوان ایران شدایم در دهه آینده شاهد حضور جوانان زیر ۲۵سالی باشیم که از همین کارگاه‌های تخصصی نقاشی را تجربه کرده‌اند و باز امیدوارم که در دولت تدبیر و امید فضایی گسترده پدید آید تا دیگر بخش‌های خصوصی با اشتیاق برای توسعه هنر و اعتلای آن در سرزمین گرانقدر ایران همت بگذارند.

*** مدیر دوسالانه نقاشی دامون‌فر



عکس: محمدعلی شریفیان

ساده‌ای را که می‌توان با مدارنگی و پاک‌کن ایجاد کرد، آرایه می‌کرد. در این غرفه کاردستی‌هایی از قبیل ساخت ماسک، کلاه و... نیز صورت گرفت.
❧ **غرفه پنجم مخصوص مادران است. چرا آنها هم باید آموزش ببینند؟**
غرفه پنجم ویژه «مادران» بخش بسیار مهمی از کارگاه‌های ما را تشکیل می‌دهد. فعالیت‌های درنظر گرفته‌شده در این کارگاه، کاردستی‌های کوچک و زیبایی است که با محصولات Canson و pebeo انجام می‌شوند. مادرانی که فرزندشان را به کارگاه می‌آورند اغلب خود یک ساعتی را باید انتظار بکشند. خیلی اوقات کنار فرزندانشان می‌ایستند و گاهی اوقات با دخالت در نقاشی کودک، استقلال را از فرزندشان می‌گیرند و کار آموزش ما را نیز دشوارتر می‌کنند. با ایجاد غرفه مادران ابتدا می‌خواستیم این معضل را برطرف کنیم، به عبارت عامیانه می‌خواستیم، مادران دست از سر فرزندانشان بردارند تا آنها یک ساعتی را مستقلانقاشی کنند اما کم‌کم به اهمیت بسیار عمیق‌تر این ایستگاه پی بردم. فعالیت هنری در این ایستگاه برای مادرانی که سال‌ها قیچی و چسب و رنگ را در دست نداشته‌اند، چنان جذاب بود که من را بر آن داشت تا روی طرح‌ها و فعالیت‌های این بخش از کارگاه هم بیشتر دقت و فکر کنم. از حدود دوسال پیش که این بخش را به کارگاه‌ایمان اضافه کردیم دیگر تصور نبودن این بخش برای ما غیرممکن است، چراکه آموزش ما موثرتر شده و مادران به‌خاطر علاقه‌ای که به ایستگاه مادران دارند، خودشان انگیزه‌ای قوی برای آوردن فرزندانشان هستند و با علاقه خود، آموزش می‌بینند و از طریق آموزش‌ها، شور، هیجان کار و فعالیت خلاق را تجربه می‌کنند. مادرانی که خود خلاق باشند و اوقات غرق‌شدن و لذت به وجودآوردن یک اثر هنری ساده را تجربه کنند، در کار فرزند خود دخالت کمتری می‌کنند و به او استقلال رای بیشتری می‌دهد که البته ما این موضوع را در کارگاه‌ها با مادران در میان می‌گذاریم و با آنها در این رابطه مشاوره می‌کنیم.

❧ **چقدر این کارگاه‌های روی کار خودتان تأثیر گذاشته است؟**

اگر منظورتان کار مجسمه است، باید بگویم تأثیری نداشته. من این دو مقوله را از هم تفکیک کردم.
❧ **یعنی به نظر شما هیچ نوع تأثیری نداشته است؟**
شاید بحثی به‌طور خلاصه‌تر هر دو مشترک باشد.
❧ **دو جشنواره گروهی را برای برپایی ورکشاپ‌های تخصصی با عنوان «موزه‌ای در چمدان» راه‌اندازی کردید. از تار بچچه راه‌اندازی گروه بگویید.**

«موزه‌ای در چمدان» زیباترین شکل برآورده‌شدن یک آرزوست. همیشه در آرزوی این بودم که گروه کوچکی داشته باشم تا بتوانم در گوشه‌وکنار کشور عزیزم آنچه را که در زمینه آموزش هنر به کودکان می‌دانم به دیگران آموزش دهم «موزه‌ای در چمدان» ایده یک موزه سیار هنر کودکان بود که به واقعیت تبدیل شد، هرگز فکر نمی‌کردم چمدان من تا این حد پربار شود. به‌طور جدی «موزه‌ای در چمدان» در دوره دوم جشنواره دامون‌فر در فرهنگسرای نیاوران آغاز به کار کرد. از آغاز کار تا به امروز افراد زیادی به من پیوستند. افراد زیادی هم مرا ترک کردند. به مربیان زیادی در تهران آشنا شدم و در سمینارهایی به آنها آموزش دادم و عده زیادی از آنها با من ماندند و در کارگاه‌هایم دعوت به کار شدند. موزه ما به چندین سفر رفت و در آنجا هم تجربیات زیادی کسب کرد. تجربیاتی که فراتر از آنچه من تصور می‌کردم، بودند و بسیار با ارزشند. آنچه چمدان مرا جذاب می‌کند سیاربودن آن است. در هرا در هر مکان با مخاطبی دیگر مواجهیم و باز می‌آموزیم. آنچه از هر مکان به یادگار و سوغات با خود در چمدان می‌آوریم عکس‌هایی از مردمی است که صمیمانه در کارگاه‌های ما شرکت می‌کنند. امیدوارم روزی این عکس‌ها را بتوانیم در جایی به نمایش بگذاریم چراکه سفرنامه ما را این عکس‌ها و آثار بچچه‌ها می‌نویسند. درحال حاضر موزه‌ای در چمدان ۱۰ عضو ثابت دارد و اعضای آن مربیان باتجربه‌ای هستند که صمیمانه با من همکاری دارند. اعضای موزه‌ای در چمدان شامل لیلی پارساسی، سولماز شبانی، پریسا شهسوری، شیرین ملت گوهر، پگاه بهرام، آرزو اسماعیل‌زاده، عرفان هادیانی، ترمه قاضی و یاسمین سینیایی مدیر و موسس گروه «موزه‌ای در چمدان» هستند.

❧ **شما طی چندسال اخیر در عرصه هنر فعال تر شده‌اید. چندین نمایشگاه پی‌درپی داشته‌اید و حالا هم که به شکل پی‌درپی کار برای بچچه‌ها کارگاه برپا می‌کنید. چه انگیزه‌ای از این همه پرکاری دارید؟**

نه به علت؛ یکی اینکه اگر کار نکنم احساس رضایت نمی‌کنم. دوم اینکه کمبود آموزش صحیح در هنر من را به این ـ به تعبیر شما ـ پرکاری کشاند. البته درمورد مجسمه‌سازی می‌توانم بگویم دغدغه و عشق من است، این‌را هم اضافه کنم که من در اجتماع هستم ـ از آن هنرمندانی نیستم که خود را در کارگاه‌هم حبس کنم.

❧ **توصیه‌ای به مسوولان یا والدین دارید؟**
مسوولان باید به این مقوله اهمیت بدهند. به نظر من رقابت وحشتناک درسی درست نیست. هنر می‌تواند فشار روحی و جسمی کودکان را کم کند و آموزش و پرورش باید به این مسأله بها بدهد. از پدر و مادرها هم می‌خواهم که از کودک چهارساله خود نخواهند روی بوم نقاشی بکشند. فقط متریال در اختیار کودک بگذارند تا این کودکان فضای خلاقانه‌ای برای خودشان ایجاد کنند.

اتفاق می‌افتد فراتر از نقاشی کشیدن ساده است. در این کارگاه‌ها پنجره‌ای را روی کودکان و اولیای آنها باز می‌کنیم که شاید تنها تعداد کمی از آنها با آن مواجه بودند. شاید امروز این کارگاه‌ها تنها سرگرمی و محلی برای گذراندن وقت باشند اما ایمان دارم که روزی جایگاه آنها خیلی مهم‌تر و عمیق‌تر از امروز خواهد بود که البته برای رسیدن به این هدف، ما باید دست از تلاش برنداریم. در کارگاه‌ها در تمام روزها، با کودکان مواجه بودیم. تأثیر آموزش‌های ما روی آثار این کودکان کاملاً مشهود است و بسیاری از آنها بعدها با ما ماندند. آنچه در این کارگاه‌ها از اهمیت بسیار ویژه‌ای برخوردار است، کشف استعدادهای خاص است. در این بخش با اولیایی که نامیدانه به‌دنبال معلم یا کلاس برای فرزندانشان هستند، مواجه هستیم. اغلب آنها کودکانشان را به کلاس‌هایی نامناسب و غیراصولی می‌برند به امید آنکه فرزندشان با تابلوهایی که شبیه کارهای کلاسیک و بزرگان هنر است از این کلاس‌ها فارغ‌التحصیل شود. اغلب این کلاس‌ها با کیبی‌کاری‌ها و روش غلط آموزش به کودکان، کودک را از فضای کودکانه وارد فضایی جدی و اشتباهی می‌کنند. نجات دادن کودکان از این سیستم غلط، کاری بس دشوار است. البته خانواده‌ها هم به دلیل عدم اطلاع، خوشحال از اینکه فرزند هفت یا هشت‌ساله عزیزشان تابلوی رنگ روغن را با مهارت عالی روی بوم نقاشی از روی اثر یک هنرمند بزرگ یا کارت‌پستالی کپی کرده، آن را با افتخار بر دیوار اتاق پذیرایی نصب می‌کنند. در حین برگزاری کارگاه، استعدادهای خاصی را که می‌بینم با خانواده‌ها در میان می‌گذارم و سعی می‌کنم آنها را راهنمایی کنم.

❧ **شما در خانه هنرمندان کارگاه آموزشی برای کودکان با عنوان «بازی رنگ‌ها» برپا کردید. چه شد که در ماه مبارک رمضان به فکر برگزاری چنین ورکشاپی افتادید؟**

امسال دامون‌فر از من خواست تا ورکشاپ طولانی‌تری را به مدت یک ماه برگزار کنم. خانه هنرمندان ایران این همکاری صمیمانه را با ما داشتند و فضای زیبای مقابل ساختمان خانه هنرمندان را در باغ هنرمندان در اختیار ما قرار دادند. تکران دومید از اینکه در گرمای هوا و ماه مبارک رمضان با شرکت‌کنندگان زیادی مواجه نباشیم اما برخلاف انتظار با استقبال بسیار خوبی مواجه بودیم و بعدازظهرهای بسیار زیبا و پرباری را در کنار بچچه‌ها و اولیا داشتیم.

در کشورهای اروپایی در مقطع دبستان سه ساعت در هفته را به درس هنر اختصاص می‌دهند، درحالی که در کشور ما در اغلب مدارس، حتی نیم‌ساعت هم تخصص درس هنر نیست. البته این نیم‌ساعت هم اغلب رنگ تفریح است یا با رنگ جبران درس‌های دیگر عوض می‌شود. به قول معروف این نیم‌ساعت صرف درس‌های اصلی می‌شود. هنر، هرگز در مدارس ما درس اصلی نامیده نمی‌شود حتی با اولیایی مواجه بودم که در مدرسه به زیادبودن تکالیف درس هنر معترض بودند، حال آنکه تکلیف هنر در این مدرسه تنها یک نقاشی در هفته بود که آن یک نقاشی را هم اغلب خود مادران عزیز با دخالت در کار فرزندانشان به پایان می‌رسانند. با آغاز همکاری من با شرکت «دامون‌فر» و آغاز ورکشاپ‌های ما در جشنواره هنرهای تجسمی و نتایج مثبت حاصل از این ورکشاپ‌ها تصمیم گرفتم، به شکل جدی‌تری در این حوزه فعالیت کنم. چندسالی به‌تنهایی کارگاه‌ها را در جاهای مختلف برگزار کردم ولی نیاز تشکیل یک گروه را برای پیشرفت و گسترده‌ترشدن کار، لازم دیدم. به این ترتیب در سومین دوسالانه دامون‌فر با گروه خود با عنوان «موزه‌ای درچمدان» ورکشاپ بزرگ با ایستگاه‌ها و فعالیت‌های مختلف برگزار کردیم.

❧ **چهار دوره است که دامون‌فر دوسالانه جوانان زیر ۲۵سال را برگزار می‌کند و در تمامی دوره‌ها شما با برپایی ورکشاپ حضور داشته‌اید. دامون‌فر چه مشخصه‌ای داشت که شما به‌طور مستمر برای آنها ورکشاپ برگزار می‌کنید؟**

شرکت دامون‌فر و من در طول مسیر و فعالیت فرهنگی که در جهت حمایت از هنر نوجوانان و کودکان است چیزهای بسیاری آموختیم. فعالیت در این عرصه آسان نبود و نیست. اما مثبت بودن و اهمیت فرهنگی چنین فعالیت‌هایی، انگیزه‌ای قوی است برای من که با هنر زندگی می‌کنم و شرکت دامون‌فر که صمیمانه در این عرصه فعالیت می‌کند. طی این‌سال‌ها همکاری من با دامون‌فر پر از خاطرات زیبا، پر از شور و هیجان و البته پر از نگرانی و سختی نیز بوده اما دامون‌فر و من هرکدام به سهم خود از آزمون و خطاهایی که در این مسیر با آن مواجه بودیم، درس‌های زیادی آموختیم. پس حرف یکدیگر را خوب می‌فهمیم.

دامون‌فر برای من آغاز راه بوده؛ آغاز راهی که کسی شاید به‌راستی ارزش آن را نداند. اما امیدوارم روزی برسد تا ما حامیان بیشتری داشته باشیم و بچچه‌های این مرزوبوم وقتی روی صفحه سپید کاغذ، نقاشی می‌کشند، آموزش‌های ما را در ذهن داشته باشند و تأثیر این آموزش‌ها را در آثارشان ببینیم.

❧ **از این همکاری مستمر بگویید.**

همکاری با دامون‌فر در چهار دوره جشنواره هنرهای تجسمی ویژه جوانان زیر ۲۵سال، بسیار مطلوب بوده است. آنچه برای من در این همکاری اهمیت دارد؛ آزادی عمل من در طراحی کارگاه‌است، اینکه می‌توانم هربرای با ایده‌ای جدید، هر کارگاه را طراحی و اجرا کنم. این آزادی عمل باعث تنوع در برگزاری این کارگاه‌ها و کسب تجربه بیشتر برای ما می‌شود!

❧ **تأثیر کارگاه‌های آموزشی روی کودکان و نوجوانان چقدر بوده و آیا این تأثیرات در تفکرات و نحوه کار کودک با نقاشی قابل رویت است؟**

برگزاری کارگاه‌ها شاید کم‌اهمیت به نظر برسد و شاید تنها سرگرمی محسوب شود اما ما تأثیر این کارگاه‌ها را عمیق‌تر از سرگرمی صرف می‌دانیم. طی سال‌ها با اولیا و کودکانی که کارگاه‌های ما را تجربه کرده بودند و به‌دنبال ما می‌گشتند تا بتوانند دوباره در این کارگاه‌ها با ما باشند، مواجه بودم. آنچه در این کارگاه‌ها



آزاده جعفریان

«یاسمین سینیایی» را خیلی‌ها به‌خاطر مجسمه‌ها و نقاشی‌هایش می‌شناسند؛ خیلی‌ها هم بابت فرزند «خسرو سینیایی» بودن و خانواده هنرمند سینیایی با این حال او طی سال‌های اخیر تمرکزی جدی روی مقوله آموزش هنر و برپایی کارگاه‌های هنری خصوصاً برای کودکان و نوجوانان داشته است. او تا به حال چندین کارگاه آموزشی در این زمینه برگزار کرده و از بدو راه‌اندازی دوسالانه «دامون‌فر» در تیرماه ۱۳۸۵ در فرهنگسرای نیاوران نیز با برپایی کارگاه‌های تخصصی نقاشی ویژه کودکان و نوجوانان نقشی پررنگ در غنا و تأثیرگذاری این جشنواره داشته است. سینیایی اخیراً در خانه هنرمندان کارگاه‌های تخصصی نقاشی «دامون‌فر» ویژه کودکان و نوجوانان را با عنوان «بازی رنگ‌ها» برگزار کرد که با استقبال قابل توجه کودکان و مادران مواجه شد. با او درباره تاریخچه برگزاری ورکشاپ‌های تخصصی برای کودکان و راه‌اندازی گروه «موزه‌ای در چمدان» به گفت‌وگو نشستیم.

❧ **ورکشاپ آموزش نقاشی کودکان چگونه شکل گرفت؟**

از آنجایی که سال‌ها در سیستم اروپایی تدریس کرده‌ام، می‌دانم آموزش هنر به کودکان تا چه حد اهمیت دارد و تا چه حد زندگی و کودکی آنها را پررنگ‌تر می‌کند. در کشورهای اروپایی در مقطع دبستان سه ساعت در هفته را به درس هنر اختصاص می‌دهند، درحالی که در کشور ما در اغلب مدارس، حتی نیم‌ساعت هم مختص درس هنر نیست. البته این نیم‌ساعت هم اغلب رنگ تفریح است یا با رنگ جبران درس‌های دیگر عوض می‌شود. به قول معروف این نیم‌ساعت صرف درس‌های اصلی می‌شود. هنر، هرگز در مدارس ما درس اصلی نامیده نمی‌شود حتی با اولیایی مواجه بودم که در مدرسه به زیادبودن تکالیف درس هنر معترض بودند، حال آنکه تکلیف هنر در این مدرسه تنها یک نقاشی در هفته بود که آن یک نقاشی را هم اغلب خود مادران عزیز با دخالت در کار فرزندانشان به پایان می‌رسانند. با آغاز همکاری من با شرکت «دامون‌فر» و آغاز ورکشاپ‌های ما در جشنواره هنرهای تجسمی و نتایج مثبت حاصل از این ورکشاپ‌ها تصمیم گرفتم، به شکل جدی‌تری در این حوزه فعالیت کنم. چندسالی به‌تنهایی کارگاه‌ها را در جاهای مختلف برگزار کردم ولی نیاز تشکیل یک گروه را برای پیشرفت و گسترده‌ترشدن کار، لازم دیدم. به این ترتیب در سومین دوسالانه دامون‌فر با گروه خود با عنوان «موزه‌ای درچمدان» ورکشاپ بزرگ با ایستگاه‌ها و فعالیت‌های مختلف برگزار کردیم.

❧ **چهار دوره است که دامون‌فر دوسالانه جوانان زیر ۲۵سال را برگزار می‌کند و در تمامی دوره‌ها شما با برپایی ورکشاپ حضور داشته‌اید. دامون‌فر چه مشخصه‌ای داشت که شما به‌طور مستمر برای آنها ورکشاپ برگزار می‌کنید؟**

شرکت دامون‌فر و من در طول مسیر و فعالیت فرهنگی که در جهت حمایت از هنر نوجوانان و کودکان است چیزهای بسیاری آموختیم. فعالیت در این عرصه آسان نبود و نیست. اما مثبت بودن و اهمیت فرهنگی چنین فعالیت‌هایی، انگیزه‌ای قوی است برای من که با هنر زندگی می‌کنم و شرکت دامون‌فر که صمیمانه در این عرصه فعالیت می‌کند. طی این‌سال‌ها همکاری من با دامون‌فر پر از خاطرات زیبا، پر از شور و هیجان و البته پر از نگرانی و سختی نیز بوده اما دامون‌فر و من هرکدام به سهم خود از آزمون و خطاهایی که در این مسیر با آن مواجه بودیم، درس‌های زیادی آموختیم. پس حرف یکدیگر را خوب می‌فهمیم.

دامون‌فر برای من آغاز راه بوده؛ آغاز راهی که کسی شاید به‌راستی ارزش آن را نداند. اما امیدوارم روزی برسد تا ما حامیان بیشتری داشته باشیم و بچچه‌های این مرزوبوم وقتی روی صفحه سپید کاغذ، نقاشی می‌کشند، آموزش‌های ما را در ذهن داشته باشند و تأثیر این آموزش‌ها را در آثارشان ببینیم.

❧ **از این همکاری مستمر بگویید.**

همکاری با دامون‌فر در چهار دوره جشنواره هنرهای تجسمی ویژه جوانان زیر ۲۵سال، بسیار مطلوب بوده است. آنچه برای من در این همکاری اهمیت دارد؛ آزادی عمل من در طراحی کارگاه‌است، اینکه می‌توانم هربرای با ایده‌ای جدید، هر کارگاه را طراحی و اجرا کنم. این آزادی عمل باعث تنوع در برگزاری این کارگاه‌ها و کسب تجربه بیشتر برای ما می‌شود!

❧ **تأثیر کارگاه‌های آموزشی روی کودکان و نوجوانان چقدر بوده و آیا این تأثیرات در تفکرات و نحوه کار کودک با نقاشی قابل رویت است؟**

برگزاری کارگاه‌ها شاید کم‌اهمیت به نظر برسد و شاید تنها سرگرمی محسوب شود اما ما تأثیر این کارگاه‌ها را عمیق‌تر از سرگرمی صرف می‌دانیم. طی سال‌ها با اولیا و کودکانی که کارگاه‌های ما را تجربه کرده بودند و به‌دنبال ما می‌گشتند تا بتوانند دوباره در این کارگاه‌ها با ما باشند، مواجه بودم. آنچه در این کارگاه‌ها